



پیش‌خواب یا **پیش‌خوابی** یک اختلال خواب است که در آن فرد در خواب به خواب نرسد یا خواب عمیق و طولانی به دست نیاورد. این اختلال می‌تواند در طول یک شب به وقوع بپردازد یا به تازگی در طول یک شب اتفاق افتد. این اختلال می‌تواند به دلیل عوامل فیزیولوژیکی، روانشناختی، پزشکی یا دارویی رخ دهد.

مبارزاتی داشته است.هم از این روی استحصال و عرضه خطرات وی، امری لازم بود و جای خالی آن احساس می‌شد. اخیراً نشر «کارآفرین» شمهای از خاطرات میرمحمدصادقی را در قالب گفت و گو منتشر و روانه بازار کتاب ساخته است. رآوی در یادداشتی بر این اثر، نکاتی چند را به شرح ذیل متذکر شده است:

«اینک که شمهای از خاطرات این حقیر طی اوراق حاضر به نظر ارجمند خوانندگان گرامی می‌رسد، ضمن عذرخواهی پیشاپیش از تصدیع اوقات گرانبهای همه عزیزان، نکاتی را متذکر می‌شوم: اولاً، با وجود بزرگانی که در بخش خصوصی و اتاق بازرگانی و بنو ن سایر نهادها حضور داشته و دارند و چه بسا نسبت به وقایع و رخدادهایی که من به آنها پرداخته‌ام، وقوف و اطلاع عمیق‌تر و دقیق‌تری داشته باشند، بنده هیچ گاه مایل به بیان خاطرات خود نیوده‌ام. گام گذاشتن در این وادی که منجر به آماده شدن و انتشار این مجموعه نشده، ناشی از توصیه و اصرار برخی دوستان و سروران می‌باشد که بی‌توجهی به این توصیه‌ها بر من مجاز نبوده است. البته پشتکار، پیگیری و علاقه ژانداولصف روابان محترم هم مانع نیمه‌کاره‌ها شدن این اقدام در نتیجه گرفتاری‌ها و اشتغالات اینجانب شده است که در همین جا باید مراتب سپاس و تشکر خود را از آنان اعلام دارم. ثانیاً، این مصاحبه همانطور که در پیش گفتار روابان نیز مورد اشاره قرار گرفته است، طی یک برهه زمانی پنج ساله انجام شده، به طوری که گاه بین دو

سال فاصله می‌افتاده است. بدین ترتیب، تکرار احتمالی برخی مطالب یا احیاناً عدم رعایت دقیق ترتیب و قایل تاریخی در همه موارد ناشی از این است. البته در برخی موارد نیز مجموعه سعی در رفع این مشکل یا به حداقل رسانیدن آن شده است.

ثالثاً، با توجه به اینکه قیمت برخی مطالب مطرح‌ه به گندهفتی قیل و گاه حتی به بیش از نیم قرن می‌رسد، احتمال دقیق نبودن بعضی از تاریخ‌ها یا از قلم افتادن نام برخی افراد می‌رود که پیشاپیش مراتب اعتذار و سمرساری خود را از این بابت به همه آن عزیزان و نیز به خوانندگان است.
در این مطلب بنا بر اختصار و تکذکر این نقصان‌ها و کاستی‌ها از سوی خوانندگان، موجب تصحیح آنها در چاپ‌های بعدی خواهد شد. رابعاً، مطالب مطرح‌ه صرفاً برشی از تاریخ و پنجره‌ای به گذشته است. در طرح این مطلب بنا بر اختصار و گزیده‌گویی بوده است، بنابراین ناگفته‌های بسیاری همچنان باقی می‌ماند که طرح آنها مستلزم فرصت بیشتر اینجانب و همت عالی دیگران خواهد بود.»

ناشر نیز در یادداشتی جداگانه که در صدر این اثر آمده، بدین شرح به معرفی رآوی و مفاد کتاب وی پرداخته است:
علی‌الدین میرمحمدصادقی یکی از چهره‌های مبارز و شاخص بازار تهران به شمار می‌آید که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های سیاسی بسیاری صورت داده و از جمله چهره‌های سیاسی و اقتصادی سرشناس و مورد اعتماد سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام گرفته است. میرمحمدصادقی را بسیاری از مبارزان بازاری به خوبی می‌شناسند. او سال‌ها در کنار چهره‌هایی مانند شهید مهدی عراقی، مرحوم سعیدامانی، شهیدصادق اسلامی، مرحوم حبیب‌الله شفیق، ابوالفضل توکلی‌بینا، محمدرضا اعتمادیان، مرحوم تقی سیدخاموشی، مرحوم محمود مانیان، محمود میرفندرسکی، احمد احمد، حبیب‌الله سنگروالادی، ابوالفضل حاج‌حیدری و اسدالله بادمچیان حضور داشته است.

علی‌الدین میرمحمدصادقی در دسته بازاریانی قرار می‌گیرد که همراهی با شهید مطهری و شهید بهشتی را پیش گرفته بودند و بر اساس گفته‌های ایشان برای ادامه مبارزه علیه رژیم شاه روش‌های فرهنگی را برمی‌گزیدند. با این حال، او هیچ‌گاه همراهی با مردان مؤتلفه اسلامی را رها نکرد و در دوره‌های زمانی مختلف به یاری آنان آمد. او زمانی در حلّه بنیانگذاران مؤتلفه اسلامی و از اعضای شورای مرکزی این گروه سیاسی بوده است.»

— 178 —



مروزی بر شرایط گروه‌های اجتماعی ایران در آستانه کودتای اسفند ۱۲۹۹

ظهور رضاخان پایان کنشگری اجتماعی

احمد رضا صدیقی بی‌تردید شکل نوین گروه‌های اجتماعی ایران، به دوران پس از مشروطیت بازمی‌گردد. هم از این روی برای ارزیابی سشرایط آن زمان مروزی بر پیشینه این دوران ضرورت می‌یابد. مقالی که پیش روی شماست، با همین هدف به نگارش در آمده است. ■■■■

انقلاب مشروطه پیامد ناگزیر ظلم و فشار روزافزون شاهان و شاهزادگان قاجار و حکام و مأموران دولتی به توده‌های مردم بود. حکام قاجار دست بیگانگان را در تعیین سرنوشت برای مردم کاملاً باز گذاشته بودند و در اثر منفعت‌طلبی، کتبه‌بینی و جهالت، با دادن امتیازات بی‌دلیل به کشورهای بیگانه، هر روز بر بدبختی و خشم توده‌های مردمی می‌افزودند تا جایی که دیگر آن همه جور و استثمار و فقر قابل تحمل نبود و مردم را به قیام یکپارچه برانگیخت و مشروطه شکل گرفت.

■ **طبقات اجتماعی در دوران سلطنت ناصر**

بدیهی است که قیام مشروطه بدون پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی محقق نمی‌شود. ریشه‌های این قیام، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه قوت گرفت و این نهل نوپا به درختی تناور بدل گشت. در این دوران طبقه متوسط سنتی که گسترده‌تر بود، طبقه جامعه بود به تدریج هویت خاصی پیدا کرد و از بدنه حکومت جدا شد. در پی اعزام دانشجویان به اروپا و مسافرت طبقه بورجودار به کشورهای دیگر، به تدریج طبقه روشنفکری پدید آمد که سخت تحت تأثیر اندیشه‌های نوین غرب بود. دانشجویان هم‌زمان با فراگیری فنون مختلف با اندیشه‌های جدید تمدن غرب آشنا شدند و مفاهیمی قدرت‌حاکمان و مباحث اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تذکر این نقصان‌ها و کاستی‌ها از سوی خوانندگان، موجب تصحیح آنها در چاپ‌های بعدی خواهد شد. رابعاً، مطالب مطرح‌ه صرفاً برشی از تاریخ و پنجره‌ای به گذشته است. در طرح این مطلب بنا بر اختصار و گزیده‌گویی بوده است، بنابراین ناگفته‌های بسیاری همچنان باقی می‌ماند که طرح آنها مستلزم فرصت بیشتر اینجانب و همت عالی دیگران خواهد بود.»

ناشر نیز در یادداشتی جداگانه که در صدر این اثر آمده، بدین شرح به معرفی رآوی و مفاد کتاب وی پرداخته است:
علی‌الدین میرمحمدصادقی یکی از چهره‌های مبارز و شاخص بازار تهران به شمار می‌آید که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های سیاسی بسیاری صورت داده و از جمله چهره‌های سیاسی و اقتصادی سرشناس و مورد اعتماد سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام گرفته است. میرمحمدصادقی را بسیاری از مبارزان بازاری به خوبی می‌شناسند. او سال‌ها در کنار چهره‌هایی مانند شهید مهدی عراقی، مرحوم سعیدامانی، شهیدصادق اسلامی، مرحوم حبیب‌الله شفیق، ابوالفضل توکلی‌بینا، محمدرضا اعتمادیان، مرحوم تقی سیدخاموشی، مرحوم محمود مانیان، محمود میرفندرسکی، احمد احمد، حبیب‌الله سنگروالادی، ابوالفضل حاج‌حیدری و اسدالله بادمچیان حضور داشته است.

علی‌الدین میرمحمدصادقی در دسته بازاریانی قرار می‌گیرد که همراهی با شهید مطهری و شهید بهشتی را پیش گرفته بودند و بر اساس گفته‌های ایشان برای ادامه مبارزه علیه رژیم شاه روش‌های فرهنگی را برمی‌گزیدند. با این حال، او هیچ‌گاه همراهی با مردان مؤتلفه اسلامی را رها نکرد و در دوره‌های زمانی مختلف به یاری آنان آمد. او زمانی در حلّه بنیانگذاران مؤتلفه اسلامی و از اعضای شورای مرکزی این گروه سیاسی بوده است.»

— 178 —



مروزی بر شرایط گروه‌های اجتماعی ایران در آستانه کودتای اسفند ۱۲۹۹

ظهور رضاخان پایان کنشگری اجتماعی

نوبند. روشنفکران که هر روز بر تعداد و تأثیرشان افزوده می‌شد، گذشته تاریخی و فرهنگی ایرانیان را رد و در وضعیت کنونی هم تشکیک می‌کردند. تحصیلکرده‌ها، روحانیون، بازاری‌ها، تاجر و کسبه، همگی به این نتیجه رسیده بودند که قاجار‌ها هم از لحاظ مدیریتی و اداره کشور و هم از نظر اخلاقی، خاندان سفاک و بی‌اعتباری هستند و در کنار ناکارآمدی سیاسی و اداری، کشور را از لحاظ نظامی هم به‌ضعیف‌ترین وضعیت ممکن دچار کرده‌اند. از این رو تنها یک ضربه اجتماعی کافی بود تا این نظام پوسیده یکسره ویران و نظام جدیدی جایگزین آن شود. مهم‌ترین ضربه، خیزش اجتماعی عظیمی بود که در پی فتوای تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی صادر شد و قدرت‌ظلم روحانیت را که تنها عامل سیج مشترک مردمی بود، به رخ کشید.

■ **طبقات اجتماعی و شکل‌گیری نهضت مشروطه**

در پیدایش نهضت مشروطه نقش سه گروه اجتماعی از دیگران برجسته‌تر است. این سه گروه عبارت‌اند از: علما و روحانیون، تاجر و کسبه و روشنفکران. روحانیون عملکرد سلسله قاجار را بر اساس مبانی شرعیت ارزیابی می‌کردند. روشنفکران سیاست‌های آنان را با تفکر مدرن می‌سنجیدند و تاجر و کسبه نیز اوضاع نابسامان اقتصادی را بررسی می‌کردند و با گوش‌ و پوست خود درمی‌یافتند که چگونه تصمیمات خاندانه حکام قاجار، منفعت اقتصادی و مالی کشور را به خطر انداخته، تولیدات را یکسره به رکود و ورشکستگی کشانده است. روحانیون با وعظ و خطابه، روشنفکران و تحصیلکرده‌ها با ابزار روزنامه و نشریات و تاجرگان و کسبه با تحصن و مذاکره با دربار و حکام، زمینه‌های تقابل مردمی با سلسله قاجار را فراهم آوردند. رواج انتشار روزنامه‌ها و نیز افزایش تعداد مدارس نیز در ایجاد زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاد نهضت مشروطه نقش مهمی داشت.

در کنار این سه گروه، طبقه متوسط رو به تزاید و گسترش ایران که خاستگاه آن خرده مالکان، فروشندگان و تولیدکنندگان میانی شهرها بودند، تحولات عظیم اجتماعی را رقم زد و به عنوان نیروی فعال سیاسی وارد میدان مبارزه با حکومت شد.

■ **علل و زمینه‌های پیدایش طبقه متوسط در ایران**

عده‌ای بر این باورند که ورود ونفوذ سرمایه‌داری خارجی و استعمار، نیروی اجتماعی طبقه متوسط را پدید آورد. عده‌ای هم اقدامات اجتماعی رضاشاه را در پیدایش این طبقه بسیار مؤثر می‌دانند اما واقعیت این است که پیش از آن، اقدامات اصلاحی رجال و صدراعظم‌های دوره ناصرالدین شاه که منجر به اعزام گروه‌هایی برای

— 178 —



مروزی بر شرایط گروه‌های اجتماعی ایران در آستانه کودتای اسفند ۱۲۹۹

ظهور رضاخان پایان کنشگری اجتماعی

تحصیل در خارج شد، تا حدود زیادی در تکوین طبقه متوسط تأثیر داشت.

در آن دوران به رغم اینکه بازار و بازاری‌ها کار کرده‌ای اقتصادی و اجتماعی مهمی داشتند اما از نفوذ سیاسی چندانی برخوردار نبودند. علت هم جدایی شهرها در اثر عوامل جغرافیایی، قاجار‌های فرقه‌ای، سازمان‌ و زبانی در شهرها بود که لاجرم به پراکندگی بازاریان می‌انجامید. به همین دلیل طبقه متوسط سنتی نمی‌توانست به عنوان یک نیروی سیاسی مستقل به این عمل کند اما نفوذ غرب و واکنش شاهان قاجار نسبت به این پدیده، رهازی را تغییر داد و طبقه متوسط که در ابتدا به صورت جمع‌های کوچک بومی وجود داشتند، به تدریج به یک نیروی متحد ملی تبدیل شدند و برای اولین بار هویت سیاسی مشترکی پیدا کردند. در این میان نقش آموزش‌های سکولاریسم، روحانیت را از میدان بیرون خواهد راند و ناسیونالیسم همه ریشه‌های امپریالیسم را در پی می‌خواندند. لذا هر زمان به شکلی مقاصد خود را پیش می‌بردند. گاه علیه علما یا شاه متحد می‌شدند، گاه نبود، نباید نادیده گرفت.

با پیوستن ایران به بازار اقتصاد جهانی، اقتصادهای محلی به تدریج از بین رفتند و در اقتصاد ملی اندام شدند با صدور محصولات کشاورزی، خودکفایی جوامع بومی از بین رفت و به جای کشاورزی آموزی، کشاورزی تجاری رواج پیدا کرد. با ورودانبوه محصولات کارخانه‌ای خارجی، صنایع دستی ایران به شدت تضعیف شد و بیگانگان به صورت دشمن مشترک بازاری‌ها و تاجر و کسبه درآمدند. در بی سیاست‌های غلط و خاندانه سلاطین قاجار و رجال آنها در زمینه‌های اقتصادی، پیوسته بر ناراضی‌های بازرگانان و تاجر افزوده می‌شد و موقعیت اقتصادی و تجاری آنان هر روز بیش از پیش رو به وخامت می‌رفت.

اوژن فلاندن، جهانگرد فرانسوی که در سال‌های ۱۲۱۹ در دوره محمدشاه قاجار به ایران سفر کرد، در سفرنامه خود به این نکته اشاره می‌کند که در دوره قاجار به دلیل ورود کالا‌های خارجی، صنایع دستی از بین رفتند، او می‌نویسد: «قطع نظر از اهمیت تریز به علت حکومت‌نشینی، این شهر یکی از بزرگ‌ترین ایالات ایران بوده، بازار گانش اهمیت ویژه داشتند و تجارت از آن بسیار نقاط ایران به مراتب بهتر بود. چند حجره تاجرنشین در این شهر هست که چیت و ماهوت انگلیسی می‌فروشند و بازارشان رواج دارد. چه ارزان‌تر و مناسب‌تر از خود ایرانی‌ها که بیافند، تمام می‌شود. واردات انگلیسی که پیوسته از ۳۰سال پیش در ایران رو به تزاید گذاشته‌تر، به روز از تعداد کارخانه‌های کاشان می‌کاهد. محصول ایران در نتیجه فاقد بودن خواص اروپایی، از بین رفته؛ علاوه بر این، برای تاجر خارجی

نوشت: «حجیب‌است که در ایران همه بر سر آزادی عقیده می‌جنگند، اما کسی به عقیده دیگری وضعی نمی‌گذارد. یا با یاد داری مکتوب مرا که از شما سؤال کرده بودم تهران دیگر چه جور جانوری است که در یک صبد، و بیست انجمن ژالید؟» در پی تشکیل مجلس مؤسسان و انتخابات مجلس شورا، سازمان‌های سیاسی در کشور گسترش یافتند و روزنامه‌های تندروی بسیاری منتشر شدند. مردم به رهبری بازاریان مجالس محلی و منطقه‌ای مستقلی را که عمدتاً مخالف حکمرانان بودند تشکیل دادند. در تهران هم بیش از ۳۰ انجمن طرفدار مشروطه به وجود آمدند که بعضی از آنها از قبیل انجمن مستوفیان، انجمن طلاب و انجمن اصناف جزو انجمن‌های حرفه‌ای و برخی از جمله انجمن ارمنه، یهودیان، زرتشتیان و آذربایجانی‌ها در واقع نوعی انجمن قومی و بومی بودند. در میان اینها انجمن آذربایجانی‌ها با بیش از ۴هزار عضو، از

— 178 —

تسهیلاتی در نظر گرفته‌اند. روز به روز واردات افزایش می‌یابد و برعکس، محصولات وطنی به کلی مضمحل و نابود می‌گردد.»

فلاندن معتقد است که ایران در قدیم کشور ثروتمندی بود، ایرانی‌ها زندگی‌های پر تجملاتی داشتند و به خاطر درآمد سرشار، شاد و خوشحال بودند، ولی ایرانی‌های کنونی بسیار فقیرند و برای کسب حداقل درآمد نج فراوانی را باید تحمل کنند. سهیل کاشانی هم در کتاب «مرآه التاسان» می‌نویسد که هر چه به پایان دوره قاجار نزدیک می‌شویم، رکود و کسادی بازار را بیشتر مشاهده می‌کنیم. اسناد تاریخی نشان می‌دهند که برای نمونه صنایع نساجی ایران در دوره قاجار مطلقاً با دوران صفویه قابل مقایسه نیست.

■ **گرایش سرمایه‌های تجاری داخلی به سوی زمین‌داری**

یکی از آثار شوم تسلط کالاها و سرمایه‌های خارجی بر اقتصاد ایران، حرکت سرمایه‌های تجاری داخلی به سوی زمین‌داری بود. از آنجا که به علت فشارها کالاها و سرمایه‌های خارجی و صدور مواد خام کشاورزی به بازارهای جهانی، امکان فعالیت مؤثر تولیدی در داخل کشور از بین رفته بود، طبقه تاجر، برای کسب سود بیشتر به زمین‌داری روی آوردند. لازم به ذکر است که تا اواسط قرن ۱۹ میلادی، بخش اعظمی از زمین‌های کشاورزی و روستاهای ایران در تملک شاه و اعوان و انصار او بودند. در ابتدا تعداد مالکان اندک بود، اما به تدریج افزایش پیدا کرد. با تزاید وابستگی هر چه بیشتر ایران به بازارهای خارجی و بالا رفتن قیمت زمین‌های کشاورزی، اشراف و شاهزادگان و تیولداران به فکر افتادند که زمین‌های دولتی را تبدیل به املاک خصوصی خود کنند. مالکان بزرگ اواخر قرن نوزدهم در ایران، غالباً متشکل از دولتی‌ها و تاجر زمین‌دار بودند که هر دو به بازارهای جهانی استعماری وابستگی محض داشتند. به این ترتیب یک طبقه اجتماعی ثروتمند و برخوردار در ایران پدید آمد که با تجارت خارجی و مالکیت زمین ثروت فراوانی را جمع کرده بود.

■ **نفوذ و اندیشه‌های وارداتی در میان بازاریان**

هم‌زمان نفوذ و تأثیر غرب، اغلب بازاری‌ها را در چارچوب طبقه متوسط مرفه متشکل کرد. اعزام دانشجوی، مسافرت و مأوریت به خارج و ترجمه کتاب‌های خارجی، افکار غربی را وارد کشور کرد. افکار خوسته‌ها و نقض‌اها را در مردم پلای برد. روشنفکران و تحصیلکرده‌های فرنگ که ابتدا منصرح به درباری‌ها و شاهزادگان و اشراف بودند، کم‌کم با ادامه تحصیل یا سفر طبقه متوسط به اروپا، گسترش پیدا کردند و تبدیل به نشر اجتماعی متمایز می‌شدند که خواستار تحولات سیاسی، اجتماعی جدیدی بود.

روشنفکران سه عامل مشروطه، سکولاریسم و ناسیونالیسم را برای ساختن جامعه‌ای نوین، توسعه‌یافته و قدرتمند لازم می‌دانستند و معتقد بودند که مشروطه، سلطنت از جابجایی را از بین برد، سکولاریسم، روحانیت را از میدان بیرون خواهد راند و ناسیونالیسم همه ریشه‌های امپریالیسم را در پی می‌خواندند. لذا هر زمان به شکلی مقاصد خود را پیش می‌بردند. گاه علیه علما یا شاه متحد می‌شدند، گاه نبود، نباید نادیده گرفت.

با پیوستن ایران به بازار اقتصاد جهانی، اقتصادهای محلی به تدریج از بین رفتند و در اقتصاد ملی اندام شدند با صدور محصولات کشاورزی، خودکفایی جوامع بومی از بین رفت و به جای کشاورزی آموزی، کشاورزی تجاری رواج پیدا کرد. با ورودانبوه محصولات کارخانه‌ای خارجی، صنایع دستی ایران به شدت تضعیف شد و بیگانگان به صورت دشمن مشترک بازاری‌ها و تاجر و کسبه درآمدند. در بی سیاست‌های غلط و خاندانه سلاطین قاجار و رجال آنها در زمینه‌های اقتصادی، پیوسته بر ناراضی‌های بازرگانان و تاجر افزوده می‌شد و موقعیت اقتصادی و تجاری آنان هر روز بیش از پیش رو به وخامت می‌رفت.

اوژن فلاندن، جهانگرد فرانسوی که در سال‌های ۱۲۱۹ در دوره محمدشاه قاجار به ایران سفر کرد، در سفرنامه خود به این نکته اشاره می‌کند که در دوره قاجار به دلیل ورود کالا‌های خارجی، صنایع دستی از بین رفتند، او می‌نویسد: «قطع نظر از اهمیت تریز به علت حکومت‌نشینی، این شهر یکی از بزرگ‌ترین ایالات ایران بوده، بازار گانش اهمیت ویژه داشتند و تجارت از آن بسیار نقاط ایران به مراتب بهتر بود. چند حجره تاجرنشین در این شهر هست که چیت و ماهوت انگلیسی می‌فروشند و بازارشان رواج دارد. چه ارزان‌تر و مناسب‌تر از خود ایرانی‌ها که بیافند، تمام می‌شود. واردات انگلیسی که پیوسته از ۳۰سال پیش در ایران رو به تزاید گذاشته‌تر، به روز از تعداد کارخانه‌های کاشان می‌کاهد. محصول ایران در نتیجه فاقد بودن خواص اروپایی، از بین رفته؛ علاوه بر این، برای تاجر خارجی

نوشت: «حجیب‌است که در ایران همه بر سر آزادی عقیده می‌جنگند، اما کسی به عقیده دیگری وضعی نمی‌گذارد. یا با یاد داری مکتوب مرا که از شما سؤال کرده بودم تهران دیگر چه جور جانوری است که در یک صبد، و بیست انجمن ژالید؟»

در پی تشکیل مجلس مؤسسان و انتخابات مجلس شورا، سازمان‌های سیاسی در کشور گسترش یافتند و روزنامه‌های تندروی بسیاری منتشر شدند. مردم به رهبری بازاریان مجالس محلی و منطقه‌ای مستقلی را که عمدتاً مخالف حکمرانان بودند تشکیل دادند. در تهران هم بیش از ۳۰ انجمن طرفدار مشروطه به وجود آمدند که بعضی از آنها از قبیل انجمن مستوفیان، انجمن طلاب و انجمن اصناف جزو انجمن‌های حرفه‌ای و برخی از جمله انجمن ارمنه، یهودیان، زرتشتیان و آذربایجانی‌ها در واقع نوعی انجمن قومی و بومی بودند. در میان اینها انجمن آذربایجانی‌ها با بیش از ۴هزار عضو، از

تسهیلاتی در نظر گرفته‌اند. روز به روز واردات افزایش می‌یابد و برعکس، محصولات وطنی به کلی مضمحل و نابود می‌گردد.»

فلاندن معتقد است که ایران در قدیم کشور ثروتمندی بود، ایرانی‌ها زندگی‌های پر تجملاتی داشتند و به خاطر درآمد سرشار، شاد و خوشحال بودند، ولی ایرانی‌های کنونی بسیار فقیرند و برای کسب حداقل درآمد نج فراوانی را باید تحمل کنند. سهیل کاشانی هم در کتاب «مرآه التاسان» می‌نویسد که هر چه به پایان دوره قاجار نزدیک می‌شویم، رکود و کسادی بازار را بیشتر مشاهده می‌کنیم. اسناد تاریخی نشان می‌دهند که برای نمونه صنایع نساجی ایران در دوره قاجار مطلقاً با دوران صفویه قابل مقایسه نیست.

■ **گرایش سرمایه‌های تجاری داخلی به سوی زمین‌داری**

— 178 —

همه‌فعال‌تر بود. همین‌انجمن بعدها حزب سوسیال‌دموکرات ایران را تشکیل داد.

■ **نشریات در دوران پسا مشروطه**

در این دوره نشریات هم بسیار فعال بودند و به شکلی ناگهانی تریاز روزنامه‌ها و مجلات به دهها عنوان رسید. ظاهر روشنفکران پس از سال‌ها سکوت اجباری، اینک با شور و شوقی زایدالوصف به انتشار مجله و روزنامه روی آورده بودند. اکثر آنان در نشریات خود، علل انحطاط خاورمیانه و ایران را خرافه‌پرستی، بی‌سوادی و کوفته‌فکری ذکر می‌کردند.

در این میان خانواده اسکندری اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه و انجمن زنان کرد که غوغایی به راه انداخت. عده‌ای این کار را ضداسلامی و نوعی بدعت تحلیل کردند و در مقابل عده دیگری به دفاع از انجمن و مدرسه پرداختند. لازم به ذکر است که پیش از این تشکیل انجمن‌ها و تشکل‌ها به این صورت در ایران سابقه نداشت و این نخستین بار بود که چنین حرکت‌هایی صورت می‌گرفتند. امروزه انتشار نشریات و تحصیلات در سطوح عالی جزو مؤلفه‌های اصلی جامعه مدنی محسوب می‌شوند. از این رو تشکل‌ها و گروه‌های واسطی به وجود می‌آیند تا بتوانند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی حضور پیدا کنند. حقوق اعضای خود را از ساختارهای حکومتی بطلینند و بر سر منافع خود با حکومت به چانه‌زنی بپردازند. حضور چنین نهادهایی که خاستگاه‌های مردمی، صفتی، حرفه‌ای، قومی، فرقه‌ای و حتی دینی دارند، از یک سو منجر به تعدیل در قدرت می‌شود و از سوی دیگر جلوی متراکم شدن قدرت را در سمتی از نظام می‌گیرد. همچنین حاکمان و صاحبان قدرت را وادار می‌سازد که به مطالبات گروه‌های موجود پاسخ مناسب بدهند تا بتوانند ادامه قدرت خود را تضمین کنند. چنین تحولی موجب گردید توده مردم که تا زمان مشروطه از حقوق اجتماعی و سیاسی خوداطلاعی نداشتند و در برابر حکومت‌ها کاملاً بی‌دفاع بودند، دست به عمل سیاسی بزنند و بر سر منافع خود با حکومت‌ها دربیفتند. هر چند این گروه‌ها هنوز در مراحل اولیه رشد بودند و تا بلوغ سیاسی و تأثیر گذاری جدی بسیار فاصله داشتند، اما اگر آن روند ادامه پیدا می‌کرد و استبداد رضانحی سد راه آن نمی‌شد، تشکل‌های مدنی قوام‌پیدایی کردندو گرفتاری‌های بعدی به وجود نمی‌آمدند.

■ **آغاز احزاب در ایران**

از دیگر تحولات این دوره تشکیل احزاب سیاسی بود.ملک‌الشعراعی بهار در کتاب «تاریخ احزاب سیاسی ایران» که به دو حزب مشروطه‌خواه و مستبد اشاره می‌کند که البته شباهتی به نامگذاری‌های امروزی ندارد. البته اکثر احزاب سیاسی عاقبت به خیر نشدند و پس از بسته شدن مجلس هم عناصر آن تحت تعقیب قرار گرفتند. با شروع جنگ جهانی اول، گروه‌های درون مجلس گاه با یکدیگر اختلاف می‌کردند و اکثریتی را تشکیل می‌دادند و گاه دچار انشعاب می‌شدند. گروهی به طرفداری از متفکین می‌پرداختند و عده‌های دیگر جانب متحد سوسی می‌گرفتند. در این دوران بود که انقلاب و وسیع‌رویی داد و عده‌ای در مجلس و در جراید و نشریات به طرفداری از آن پرداختند.

واقعه مهم دیگری که در ایسن دوران پیش آمد، قرار داد ۱۹۱۹ بود که اکثریت اعضای مجلس به مخالفت با آن پرداختند و در روزنامه‌های خود به شدت از این قرارداد انتقاد کردند و به تشریح پیامدهای شوم آن پرداختند. در مخالفت با این قرارداد، رضاخان، پیشان این احزاب وجود نداشت و همگی متفق القول بودند. با وقوع کودتای سوم اسفند، بسیاری از روشنفکران و روزنامه‌نگاران از جمله رحمن‌ا، مدرس، دشتی، فرخی و بهار دستگیر شدند. پس از کودتای رضاخان، احزاب جدیدی تشکیل شدند، از جمله حزب جدیدی متشکل از مؤلفین تحت عنوان حزب کمونیست شروع به فعالیت کرد و جوانان متحد نه آن پیوستند.ملک‌الشعراعی بهار در این مورد می‌نویسد: «تشنجی عظیم در مجلس چهارم پیدا شد، با ظهور حزب جدید یعنی سوسیالیست، اکثر آزادخواهان توجهی به این حزب نکردند و حتی سزاولار نداشتند در قبال آن حزب. حزب دیگری بسازند، چون اکثریت مجلس از حزب مردم از جمله تاجر، کسبه، طلاب و معلمان مدارس و حتی زنجبران متعایل سه رجالی بودند که برای اصلاحات آماجگی داشته باشند و مردم از حرکت‌های مردمی خسته شده بودند. پس از آن حزبی پدید نیامد تا مجلس پنجم که حزب دیگری به نام حزب تجدد ایجاد شد. این حزب در جلسات اولیه مجلس دارای اکثریت قطعی شد.»

■ **تاکلام آخر**

در فاصله نهضت مشروطه تا کودتای رضانحی و قدرت گرفتن او، احزاب سیاسی متعددی در ایران تشکیل شدند که هنوز در مراحل نخست تجربه‌های حزبی بودند که با یورش رضانحی به تعطیلی کشیده شدند. بنابراین جامعه ایران در دوره کوتاه بین مشروطه و کودتای سوم اسفند توانست تجربه چند صدایی شدن را از سر بگذراند، بی‌آنکه رعایت قواعد رقابت‌ها و منازعات سیاسی را بلد باشد. با تمام نواقعی که این فرایند ایجاد تشکل‌ها و احزاب قارچ‌گونه سیاسی داشت، اما جامعه ایران را از حالت انفعل و جهل فرهنگی و تک‌گرایی سیاسی بیرون آورد و توده مردم کم و بیش به چالش کشیدن حاکمان را آموختند. هر چند رضاشاه گروه‌گرایی را به شدت سرکوب کرد، اما این بذر در حافظه تاریخی ملت ایران کاشته شد تا در اولین فرصت اجتماعی تاریخی رشد کند و در درختی تناور تبدیل شود. این نکته نشان می‌دهد که آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی حتی با وجود سرکوب‌های مقطعی، نهایتاً ثمره خود را آشکار می‌سازند.